

مقدمه

بدون تردید مطبوعات را باید زبان گویای جامعه دانست. این زبان هم درد دل و نظرات مردم را می گوید و هم نقش نظارتی ایفا می نماید. به علاوه می تواند افق ها و مسیرهای فرا روی مردم جامعه را نیز مشخص نماید. به عبارت دقیق تر می تواند راهنمای جامعه در حوزه های مختلف باشد. از این رو این مساله که آنها تا چه حد بی طرفانه و مستقل به خوانندگان خود و جامعه خط می دهند بسیار حایز اهمیت است. از سوی دیگر، تامین مالی مطبوعات نیز امر مهمی است که می تواند استقلال و آزادی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. در این نوشتار به شرحی که در ادامه خواهد آمد به بررسی نقش استقلال مالی مطبوعات در تحکیم آزادی آنها پرداخته می شود.

بیان مساله

استقلال مطبوعات در روند تحکیم آزادی آنها نقش بسزایی دارد. در ایجاد و تکامل مطبوعات سه دوره وجود دارد: دوره اول که از اوایل قرن هفدهم آغاز می شود دوره استبدادی است. در این دوره فعالیتهای مطبوعاتی مستقیماً توسط حکومت کنترل می شوند و مطبوعات توسط ماموران دولتی یا افراد مورد وثوق آنان اداره می شود. در این دوره مطبوعات زبان تبلیغات حکومت ها هستند. از ویژگی های این دوره سانسور است. دوره دوم مطبوعات که به دوره انقلاب مسلکی معروف است از قرن هیجدهم آغاز می شود. در این دوره مطبوعات در اختیار مردم قرار می گیرد و از نظارت مستقیم دولتی خارج می شود و تکثرگرایی مطبوعات در این دوره آغاز می گردد. دوره سوم که از اواسط قرن نوزدهم آغاز می شود دوران مطبوعات تجاری و خبری نامیده می شود. در این دوره ورود آگهی به مطبوعات باعث تجاری شدن آنها می گردد و به جای مباحث سیاسی و فرهنگی، مصرف گرایی ترویج می گردد و خبرها به صورت یک کالای تجاری در می آیند که در واقع با تجاری شدن مطبوعات، وابستگی مالی آنها به منابع ثروت بیشتر می شود و به عبارتی دیگر، از این دوره مطبوعات استقلال تحریری و مالی خود را از دست می دهند و رسالت مطبوعات که آگاه سازی و تنویر افکار عمومی می باشد تحت الشعاع قرار می گیرد و در این زمان موضوع مقررات گذاری و اصول اخلاقی مطرح می گردد که یکی از روشها، مشارکت روزنامه نگاران در مالکیت و مدیریت مطبوعات است که در دهه های اخیر به صورت یک خواسته مهم برای تامین و تحکیم استقلال مطبوعات مطرح شده است.

سوال یا سوالات تحقیق

- ۱- میزان استقلال مالی مطبوعات چه تاثیری در استقلال تحریری مطبوعات دارد؟
- ۲- راهکارهای مقابله با اعمال فشار از سوی صاحبان قدرت و سرمایه آگهی دهندگان بر مطبوعات چیست؟

فرضیه یا فرضیه ها

- ۱- وابستگی مالی و تجاری شدن مطبوعات باعث می گردد مطبوعات رسالت خود را که تحقق منافع عمومی و تنویر افکار عمومی است را از دست داده و به خواسته های صاحبان سرمایه عمل نمایند.
- ۲- مطبوعات برای نیل به مقابله با حداقل قدرت و ثروت راهکارهایی را دارند که از جمله می توان به استقلال تحریریه ای اشاره نمود. که این امر می تواند استقلال تحریریه ای و همچنین استقلال مالی مطبوعات را تضمین کند.

فصل اول: کلیات

گفتار اول: مفهوم استقلال مالی مطبوعات و اهمیت آن

بند اول: مفهوم استقلال

اگر حاکمیت را به عنوان قدرت مطلق، توجیه‌ناپذیر، مستمر و عمومیت یافته بدانیم که همراه با عناصری چون سرزمین، حکومت، ملت، مفهوم یا پدیده دولت را می‌سازند، استقلال و آزادی متغیرهای مشتق از آن می‌باشند. مفهوم استقلال در روابط خارجی یک دولت با دولت دیگر به کار می‌رود که یک دولت می‌تواند در سیاست خارجی از منافع، اهداف و امنیت ملی خود دفاع نماید. مفهوم آزادی بیشتر در تبیین سیاست داخلی به کار می‌رود، به گونه‌ای که یک دولت در اداره امور داخلی ملت بدون اعمال نظر و تأثیرپذیری از سیاست بین‌المللی به وضع قوانین بر اساس مبانی ارزشی خود و اجرای آن پردازد. هر چند ساز و کارهایی چون ایجاد منطقه‌های ممنوعه پروازی در عراق و ورود نیروهای حافظ صلح ناتو به بوسنی، نقض استقلال ملی یک کشور محسوب می‌شوند ولی با دگرگونی‌هایی که در مفاهیم سیاسی و حقوقی به وجود می‌آید^۱، شاید این موارد و نمونه‌های مشابه آن را که یک اصل و قاعده پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل می‌باشد، نقض حاکمیت دولت‌ها، تلقی نکنند یا فرض اینکه موضوع مهمتری از حاکمیت ملی و استقلال کشورها مد نظر باشد. البته واقعیت این است که حاکمیت ملی به عنوان آنچه فرض شد یعنی قدرت مطلق و تجزیه‌ناپذیر در جهان واقع وجود ندارد و دامنه حاکمیت روز به روز در حال محدودتر شدن است، اما این به هیچ وجه نمی‌تواند به معنی از دست دادن آزادی باشد.

از نظر واژه‌شناسی؛ کلمه استقلال از باب استفعال و با واژه‌هایی چون قلیل، قلت و تقلیل مرتبط است و در معنی، کم کردن و به حداقل رساندن می‌باشد. ملت استقلال طلب می‌خواهد وابستگی‌ها را تحلیل بدهد و اتکای به دیگران را به حداقل برساند.^۲ با ارائه معنی لغوی واژه استقلال می‌توان یک تعریف مفهومی از آن ارائه داد: استقلال عبارت است از «داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت».^۳ اگر این تعریف را تجزیه کنیم، سه عنصر قدرت تصمیم‌گیری، قدرت اعمال تصمیم گرفته شده و قلمرو حاکمیت قابل بازیافت هستند. بر این اساس چنانچه ملتی بتواند بدون

^۱ - سید علی قادری، مجموعه مقالات اولین سمینار تحول مفاهیم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

^۲ - منصور، جواد، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴ ص ۵۴.

^۳ - آقا بخش، علی، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۳، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶ ص ۲۷۷.

تأثیرپذیری از محیط خارجی اعم از منطقه‌ای و نیروهای اثرگذار بین‌المللی چون قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی (مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و شرکتهای چند ملیتی برای خود برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین کند، آن را ملت مستقل می‌نامند. اگر بخواهیم تعریف دیگری از مفهوم استقلال ارائه کنیم، باید موارد زیر را در آن لحاظ نماییم:

۱- جدا نمودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی؛

۲- وضع هر تجمع بشری که دستگاه و ارکان آن به نسبت دستگاه و ارکان تجمع بشری دیگر در حال اطاعت و پیروی واقع نشده باشد.

۳- حقی که به موجب آن، هر کشور در سیاست داخلی یا خارجی خود آزاد است.^۱ بر این اساس استقلال دو جنبه دارد. استقلال خارجی یعنی؛ آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و در مسائل خارجی به طور کلی. استقلال داخلی یعنی؛ آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری. در نتیجه استقلال داخلی، کشو می‌تواند هر نوع قانون اساسی که مایل باشد، تصویب کند و تشکیل اداری خویش را به میل خود برقرار نموده و هر نوع قانونی را بخواهد، وضع کند.

بند دوم: اهمیت و ضرورت استقلال مالی مطبوعات

پس از آن که به بررسی مفهوم استقلال مالی مطبوعات پرداخته شد حال لازم است این بحث مطرح شود که اصولاً اهمیت و ضرورت بحث استقلال مالی مطبوعات در چیست؟

استقلال مالی نیاز اصلی مطبوعات و جامعه مطبوعاتی است. استقلال مالی مطبوعات ارتباط تنگاتنگی با مباحث آزادی اطلاعات شامل حق دسترسی به اطلاعات، انتشار اطلاعات و آزادی بیان دارد. البته آزادی اطلاعات را نباید با جریان آزاد اطلاعات در هم آمیخت. دستیابی روزنامه نگاران به اطلاعاتی که خارج از کنترل و تصرف مؤسسات عمومی قرار دارد، مقوله‌ای است که با عبارت جریان آزاد اطلاعات از آن یاد می‌شود.

یکی از معیارهایی که در ارزیابی عملکرد وسایل ارتباط جمعی مورد استناد قرار می‌گیرد استقلال یا عدم استقلال آنهاست. استقلال رسانه ای را که مطبوعات نیز یکی از زیر شاخه های آن محسوب می‌شود می‌توان به این صورت تعریف کرد: عدم وابستگی رسانه ها و عوامل و نهادهای رسانه ای به حکومت و عدم

^۱ - منصورى، جواد، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسى و بین‌المللى، ۱۳۷۴ ص ۵۵

تأثیر پذیری فعالیتهای متعارف رسانه ای از انواع فشارهای مدیریتی، سیاسی یا مالی، به دیگر سخن منظور از استقلال رسانه ای عدم سانسور ساختاری یا محتوایی فعالیتهای رسانه ای است.^۱

استقلال در رسانه های دولتی نظیر رادیو و تلویزیون که دارای قدرت نفوذ بیشتری از لحاظ مخاطب و عمیق تر هستند اهمیت بیشتری نسبت به رسانه های خصوصی یا مطبوعات و اینترنت دارد.

برای اینکه مطبوعات و رسانه ها از لحاظ ساختاری مستقل بوده و زیر نفوذ اشخاص دیگری نباشند باید دارای شخصیت حقوقی مستقل باشد که این امر در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد. البته در بحث استقلال ساختاری، استقلال هیئت نظارت بر مطبوعات یا دفتر ثبت مطبوعات از لحاظ ترکیب اعضاء و نحوه گزینش آنها نیز بسیار حائز اهمیت است، در ترکیب این اعضاء چقدر از نمایندگان جامعه رسانه ای و صاحب نظر در مسائل رسانه ها استفاده شده باشد، بودجه آنها بدون وابستگی به دولت تأمین گردد و امکان شکایت از تصمیم یا اقدام آنها در مراجع قضایی وجود داشته باشد، میزان استقلال بیشتر شده و مطبوعات نیز از زیر فشار مستقیم و غیر مستقیم در این زمینه رهایی می یابند.

منظور از استقلال محتوایی آن است که رسانه ها در تنظیم محتوای مطالب و گزارشهایی که می خواهند منتشر یا پخش کنند زیر انواع فشارها قرار نگیرند و بدون وابستگی و به طور آزادانه عمل کنند. از این استقلال به استقلال هیئت تحریریه نیز نام می برند.^۲

استقلال هیئت تحریریه، در این زمینه با استقلال مالی و مدیریتی کاملاً مرتبط می باشد و در این زمینه می توان به جمله ای از فردریک ها یک (۱۸۹۹-۱۹۹۲) اقتصاد دان معروف و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۴ اشاره کرد که بیان می کند: «بزرگترین خطری که امروز آزادی را تهدید می کند وجود مجریان کارآزموده ای است که صرفاً به آنچه خود خیر همگانی می پندارند توجه دارند.

و همچنین آلبر کامو در این زمینه می گوید: «مطبوعات وقتی آزادند که تکیه گاهشان قدرت حکومت یا قدرت پول نباشد». باید خاطر نشان کرد که استقلال هیئت تحریریه ارتباط تنگاتنگی نیز با استقلال سیاسی که همیشه بیشترین منشاء و مداخله را بر اصحاب رسانه ها وارد آورده است دارد و این استقلال نیز بسته به فرهنگ و آداب و رسوم هر ملت متفاوت است و به این امور که اعضاء شورای نظارت، دولتی باشند یا مردمی، از سوی چه مرجعی انتخاب و یا عزل شوند، تصمیمات آنها قابل تجدید نظر و شکایت است یا خیر و ... بستگی دارد و در عمل نیز بیشتر به میزان دموکراسی و آزادیخواهی و قانونمندی دولتها بستگی دارد و

^۱ - انصاری - باقر - مجموع مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۹ ص ۶۲-۷۹.

^۲ = انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ ص ۷۳.

در این مورد می توان به جمله ای از آندریی ساخاروف فیزیکدان روسی اشاره کرد که می گوید: (دولتی که نیروهای سیاسی مرموز و کاملاً ناشناخته و ناپیدا اداره اش می کنند، ناگزیر خطرناک تر از دولتی است که علناً تحت نظر مردم هدایت می شود).

وقتی مطبوعات برای تامین منابع مالی خود و یا حتی دلایل دیگر وابسته به حزب خاصی یا قطب‌های سرمایه‌ی شد، دیگر کارایی خود را از دست می‌دهد و در جهت اهداف حامی خود گام برمی‌دارد و این رسانه خارج از مسیر حرفه‌ی بودن فعالیت خواهد کرد. یکی از مهمترین راهکارهای توسعه نظام مطبوعاتی کاهش تدریجی میزان وابستگی روزنامه‌ها به کمک‌های دولتی از یک سو و راه اندازی موسسات مطبوعاتی مستقل خصوصی از سوی دیگری باشد.

استقلال مالی مطبوعات را به طور خلاصه می توان از دو منظر مورد توجه قرار داد :

۱- استقلال مالی برای مطبوعاتی که با اهداف فرهنگی، تقویت جامعه مدنی و تحقق آزادی بیان و خدمات عمومی ایجاد شده و فعالیت می کنند.

۲- استقلال مالی برای مطبوعاتی که در خدمت گسترش ثروت، قدرت و سلطه گروهی اندک قرار دارند.

آنچه در این نوشتار مورد نظر می باشد، استقلال مالی از نوع اول است که سبب می شود روزنامه‌نگاری به جریان آزاد اطلاعات و تحقق جامعه مدنی کمک کند. به نظر می رسد موانع بازدارنده توسعه مطبوعات در ایران همانطور که در سایر بخش‌ها مانع از بالندگی و پیشرفت نظام روزنامه‌نگاری ایران شدند، اقتصاد روزنامه‌نگاری را نیز تحت تاثیر منفی قرار داده است.^۱

بر اساس مطالعات مرکز تحقیقات آمریکا حداقل میزان دستمزد برای یک روزنامه‌نگار آمریکایی با یک سال و کمتر از یک سال سابقه کاری دارد معادل ۳۰ هزار دلار در سال برآورد می شود. نگاهی به میزان درآمد روزنامه‌نگاران اروپایی نیز با وجود اینکه آنها در مقایسه با روزنامه‌نگاران آمریکایی حقوق کمتری دریافت می کنند. حداقل دستمزد برای یک روزنامه‌نگار کارآموز در اروپا ۱۰ هزار دلار در سال است .

پس می توان گفت علاوه بر فشارهای مستقیم و غیر مستقیم ، مالی و ... که بر عملکرد و استقلال رسانه‌ها تأثیر منفی می گذارد عدم کارکرد صحیح مطبوعات از لحاظ اجتماعی نیز بر تداوم حیات آنها تأثیر گذار می باشد و این موضوع باید از طرف یکایک دست اندرکاران که شامل خبرنگاران، مالکان، سردبیران و ... می شود مورد توجه جدی قرار گیرد.

^۱ -خانیکی، هادی، قدرت جامعه مدنی و مطبوعات تهران: انتشارات طرح نو ۱۳۸۱ ص ۱۳۴

بند سوم: نظریات پیرامون استقلال

تحقق سایر اهداف ملی تابعی از تحقق استقلال به معنای واقعی آن می‌باشد. تا زمانی که ملتی به استقلال نرسد اصولاً به عنوان عضوی از جامعه بین‌المللی پذیرفته نخواهد شد، آنگاه خواهد توانست خود را از سلطه دولت دیگر آزاد کرده و حق تعیین سرنوشت را از آن خود ساخته و به جای قوانین جزایی و کیفری دولت بیگانه قوانین و نهادهای بومی ایجاد کند؛ حال باید یکی پس از دیگری وظایف خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، پس از اتمام پویش ملت‌سازی سایر اهداف ملی تحقق می‌یابد که کسب استقلال یکی از مختصات حقوقی-سیاسی این پویش می‌باشد. از این جا به بعد است که کارکردهای کلانی چون امنیت ملی، یکپارچه سازی ملی و استمرار یا تثبیت آن، توسعه و رفاه ملی بر عهده دولت جدیدی خواهد بود که به جای دولت استعمارگر یا سلطه‌گر یا امپراتوری فروپاشیده، زمام حکومت و قدرت را در دست دارد. به عنوان مثال، تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی برای جمهوری‌هایی چون ترکمنستان و تاجیکستان، رسالتی چون تأمین امنیت ملی وجود نداشت؛ زیرا ارتش سرخ شوروی در سراسر این امپراتوری اعمال فوق را انجام می‌داد، چرا که اولاً ارتش جداگانه‌ای به نام ارتش ترکمنستان وجود نداشت، ثانیاً به علت حاکمیت مطلق شوروی امکان تحقق چنین ارتشی نبود، ثالثاً استقلال برای کشور فوق مفروض نبود ولی پس از فروپاشی مسائلی چون یکپارچگی بر دوش برخی از این ملت‌های تازه استقلال یافته می‌افتد. جمهوری فدراتیو روسیه با استقلال خواهی چنین اینگوش روبه‌رو می‌شود، جمهوری گرجستان با جنبش جدایی طلبی اقلیت آغازی درگیر می‌شود، دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ به جنگ و نبرد مسلحانه می‌پردازند، جمهوری تاجیکستان با جنبش اسلامی خواهان نفوذ طلب و سهمین شدن در قدرت وارد کشمکش می‌شود، جمهوری ترکمنستان با مشکلات اقتصادی چون کشیدن راه آهن عشق‌آباد-سرخس و لوله نفت و گاز و فشارهای بین‌المللی موافق، مخالف سخت دست و پنجه نرم می‌کند (توسعه و رفاه)، در حالی که هیچ یک از این مشکلات در زمان استیلای روسها بر آنها وجود نداشته است.

اینکه کشور ضعیف و وابسته‌ای در بازی سیاست بین‌المللی غوطه‌ور باشد، پدیده خوبی نیست. زیرا دائماً مورد طمع همسایگان و دولت‌های ماجراجو قرار می‌گیرد. از سویی به عنوان متحد کشورهای دیگر نیز نمی‌تواند مورد اعتماد واقع شود. هر قدر میزان اتکای یک واحد سیاسی از نظام بین‌الملل کمتر باشد، قدرت مانور آن بیشتر است و می‌تواند برای دنیا هنجارها و ارزش‌های رفتاری تعیین کند و برعکس هر قدر وابستگی او به نظام بین‌الملل بیشتر باشد، طبیعی است که در اتخاذ رفتارهای خارجی باید نگاهی به حلقه‌های وابستگی خود بنماید. به عنوان مثال، کشورهایایی که از بانک جهانی وام می‌گیرند تا برنامه‌های عمرانی و

توسعه خود را پیش ببرند یا از دولت امریکا وام می‌گیرند، نمی‌توانند رفتاری برخلاف منافع امریکا در منطقه خود اتخاذ کنند. مثلاً دول عربی خلیج فارس نمی‌توانند اقدامات اسرائیل را قاطعانه محکوم کنند؛ زیرا امنیت ملی خود را به وسیله ناوگان‌های امریکایی مستقر در منطقه یا سلاح‌های خریداری شده از امریکا تأمین می‌کنند. بنابراین، استقلال در معنای عام می‌تواند در نزد ملتهای مختلف معانی مختلفی داشته باشد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

الف: انزوای سیاسی

گروهی از ملت‌ها برداشت خود از استقلال را با مفهوم انزواگرایی پیوند زده‌اند. از نظر این کشورها استقلال زمانی تحقق می‌یابد که یک ملت کمترین ارتباطات و مبادلات را با دنیای خارج داشته باشد و با اتکا به خود کلیه ابعاد زندگی را تنظیم و اداره نماید.^۱ این نظریه در عصر حاضر که شاهد گسترش ارتباطات هستیم قابلیت اجرایی و احترام علمی ندارد. این نظریه برای اعصار پیشین که سطح ارتباطات ملت‌ها و دولت‌هایشان به دلیل فقدان شبکه‌های حمل و نقل، پایین بودن سطح نیازهای مردم، عدم تنوع تقاضاهای نوع بشر و در نهایت بسته بودن جهان‌بینی مردم به علت انزوای جغرافیایی که فقدان سیاحت و سفر و گردشگری را در پی داشت، می‌توانست استقلال را معنی کند. به عنوان مثال، دولت ایران عصر افشاریان و زندیان می‌توانست بدون ارتباط با دنیای خارج به حیات سیاسی خود ادامه دهد؛ چون نیازهای اقتصادی مردم به وسیله اقتصاد معیشتی و خودکفای داخلی تأمین می‌شد و نیروی نظامی قبایل و عشایر هم امنیت داخلی و تا حدودی خارجی را تأمین می‌کردند، لذا نیازی به گسترش روابط با دولت‌های خارجی نبود. اما دولت قاجار در عصر فتحعلی شاه به علت نداشتن سلاح نو و مدیریت جدید نظامی جهت دفاع از امنیت ملی و به دلیل عدم تمین این نیاز به وسیله صنایع داخلی مجبور به گسترش روابط ولو در شکل وابسته آن با دول خارجی بود. دولت‌هایی چون چین و تایلند مدتی در سیاست خارجی، این رویه را در پیش گرفتند ولی خیلی زود آن را رها کردند.^۲

^۱ - منصورى، جواد، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسى و بین‌المللى، ۱۳۷۴ ص ۵۶.

^۲ - عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۰ ص ۱۶۱-۱۶۰.

ب: نسیت استقلال

طرفداران این نظریه چنین استدلال می‌کنند که کسب استقلال کامل و توانایی حفظ و تداوم آن کار مشکلی است، هر چند که کسب استقلال در سایه تلاش‌ها و فداکاری‌ها مقدور باشد، بویژه در امور داخلی این امر آسانتر است چرا که ساقط نمودن یک حکومت ضد مردمی اعم از سلطه‌گران خارجی و مستبدین داخلی از سوخت مایه‌های (انرژی) احساسی و حماسی برخوردار است. هواداران این نظریه معتقدند که: دولت برخوردار از استقلال نسبی در صورت ناتوانی از تأمین نیازهای گوناگون کشور می‌تواند در بعد سیاسی، مستقل و در سایر ابعاد، وابسته باشد.^۱

مفروض نظریه پردازان فوق آن است که می‌توان مسائل اقتصادی و صنعتی را از مسایل سیاسی جدا کرد، هر چند که این امر غیرممکن نیست ولی امکان آن در روابط کشورهای شمال-شمال یعنی دول صنعتی شده بیشتر است تا در روابط جنوب-شمال. کشورهای چون فرانسه و آلمان علیرغم نیاز صنعتی که به همدیگر دارند سلطه سیاسی در میان آنها نیست، اما همین دولت‌ها در روابط خود حاضر نیستند با کشورهای جنوب چنین معامله کنند، به گونه‌ای که امریکا حاضر نشد کمک‌های فنی و مالی احداث سد اسوان را بدون گرفتن امتیازی سیاسی در اختیار جمال عبدالناصر قرار دهد. البته اگر همین کشورهای جنوب از قدرت دیپلماسی و چانه‌زنی برخوردار باشند، می‌توانند بر اساس نظریه بالا عمل کنند؛ مثلاً علیرغم وابستگی نظامی-تسلیماتی سوریه به شوروی هرگز سوریه جزء اقمار شوروی نبود، و این جدا از نیاز روس‌ها برای داشتن متحد به عنوان دروازه‌ای برای ورود به خاورمیانه، از هوشیاری دیپلماتیک سوریه‌ها نتیجه می‌شود.

ج: نفی استقلال

هواداران این نظریه معتقدند که با «گسترش ارتباطات، رشد سریع علوم و فنون، مسائل جامعه بشری آن چنان به هم پیوند خورده‌اند که عملاً مرزهای جغرافیای و تقسیم بندی منطقه‌ای و قاره‌ای معنا و مفهوم واقعی خود را از دست داده‌اند. رفاه طلبی روز افزون افزایش درخواست‌های مختلف برای استفاده از تسهیلات زندگی و به موازات آن محدودیت‌ها، فقدان کارهای مناسب، امکان ادامه حیات جامعه مبتنی بر نیاز و امکانات داخلی را منتفی ساخت.»^۲ دهکده‌گرایان جهانی از هواداران مشهور این نظریه هستند. در ارزیابی باید گفت: این نظریه بیش از حد، آرمان‌گرایانه است و شواهد تجربی آن بیش از آن که بر شواهد عینی و

^۱ - منصورى، جواد، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسى و بین‌المللى، ۱۳۷۴ ص ۶۷.

^۲ - همان، ص ۵۶.

مدارک حقیقی مبتنی باشد، برگرفته از تخیل و آرزوی طراحان نظریه است. اروپای غربی که همگراترین ناحیه جهان محسوب می‌شود، هنوز نتوانسته است مفاهیمی چون پول، ارتش و امنیت ملی را به سطح منطقه‌ای برساند. هنوز موردی پیش نیامده تا مرزهای فرانسه مورد حمله یکی از دول شمال افریقا قرار بگیرد تا ببینیم آیا سرباز آلمانی و انگلیسی حاضر است دوشادوش سربازان فرانسوی بجنگد یا خیر؟ سایر مناطق که جای خود دارد. لذا این نظریه غیرواقع‌گرایانه و مردود است.

گفتار دوم: تعریف و ماهیت آزادی

بند اول: مفهوم آزادی

آزادی در لغت به معنای نبودن قید و بند است. در اعلامیه حقوق بشر آمده است آزادی یعنی توانایی انجام دادن هر عملی که زبانی را متوجه دیگری نکند. آزادی در حقیقت یک پدیده مثبت است و البته در گذر زمان دچار تحول قرار گرفته است. تردیدی نیست انسان در هر کجای دنیا که قرار داشته باشد و زندگی کند و دارای هر نوع دین و مذهبی و قومی و نژاد و ملتی که باشد باید مطابق موازینی از حقوق انسانی و همه مزایای جهان هستی برخوردار گردد.

درباره اینکه آزادی برای انسان حق است یا امری فطری و الهی دیدگاه‌های مختلفی است، بعضی از اندیشمندان غربی با ارائه ریشه فلسفی آن را از مقوله حق همانند هر حق مدنی دیگر برای انسان دانسته اند. و بعضی دیگر آنرا امری فطری دانسته اند. که این امر ناشی از فطرت الهی برای انسان است که خداوند در وجود انسان به ودیعه گذاشته است.

در خصوص این مساله که آزادی مطلق است یا نسبی؟ باید گفت در هیچ یک از مکتب‌ها و فرهنگ‌ها و نظریات فلسفی و فرهنگی آزادی به گونه مطلق یک ارزش تلقی نشده است بلکه آزادی محدود به قانون است.

آزادی نیز یکی از والاترین ارزشهای انسانی است که از دید تدوین‌کنندگان منشور حقوق بشر مخفی نمانده است، هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند آزادی کسی را سلب کند تنها چیزی که شایستگی تحدید آزادی را دارد عدالت است. چراکه بقای اجتماعات انسانی و تضمین سعادت انسانها در گرو تحقق عملی عدالت است و فلسفه ظهور ادیان چیزی جز سعادت اخروی و دنیوی انسان نیست.

استقلال مطبوعات ارتباط تنگاتنگی با مباحث آزادی اطلاعات شامل حق دسترسی به اطلاعات، انتشار اطلاعات و آزادی بیان دارد. البته آزادی اطلاعات را نباید با جریان آزاد اطلاعات در هم آمیخت. (دستیابی

روزنامه نگاران به اطلاعاتی که خارج از کنترل و تصرف مؤسسات عمومی قرار دارد، مقوله‌ای است که با عبارت جریان آزاد اطلاعات از آن یاد می‌شود.^۱

آزادی مطبوعات، بیش از دو قرن پس از اختراع چاپ و حدود یک قرن بعد از انتشار نخستین روزنامه‌های چاپی جهان، در غرب، به دنبال مبارزات طولانی بورژوازی آزادی جوی اروپا و امریکا، ابتدا با لغو «قانون مربوط به اجازه چاپ و سانسور مطبوعات» در انگلستان و سپس به طور وسیع تر و کامل تر در فرانسه و ایالات متحده امریکا به رسمیت شناخته شد و در طول قرنهای نوزدهم و بیستم به تدریج در اکثر کشورهای دنیا پذیرفته گردید. آزادی مطبوعات به طور عام، جستجو، جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های یاد شده را در بر می‌گیرد. آزادی مطبوعات به طور خاص «نشر آزاد روزنامه‌ها، بدون هیچ گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش بینی دقیق ضوابط مسئولیتهای قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنان در دادگاههای بدوی با حضور هیئت منصفه» را شامل می‌شود.^۲

توسعه تدریجی مطبوعات ایران طی دو دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی و نقش فعال آنان در همه عرصه‌های جامعه، در انتقال اطلاعات و طرح مباحث فکری و نظری، در زمینه حدود، حقوق و آزادی‌های مطبوعات گام مؤثری محسوب می‌شود. توسعه حیطه کاری مطبوعات، عملاً امکان آزادی حقوقی و آزادی بیان و عقیده را فراهم آورده است. پای بندی مطبوعات به نظام مقدس جمهوری اسلامی و کمک به پیشبرد و اصول و اهداف این نظام، از سیاست‌های کلی آزادی مطبوعات و وظیفه اصلی آنان است. به فرموده امام رحمه الله: «قلم آزاد، قلمی است که توطئه‌گر نباشد، قلمی آزاد است روزنامه‌ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و تباهی بکشد.»

^۱ - انصاری، باقر، مجموع مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۹ ص ۷۹.

^۲ - معتمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ص ۲۵-۲۳.

بند دوم: آزادی مطبوعات و استثنائات آن

الف: آزادی مطبوعات در قوانین

قوانین مطبوعاتی در ایران از اولین قانون مصوب محرم ۱۳۲۶ قمری تاکنون در پی محدود کردن آزادی‌های مصرح در قانون اساسی بوده‌اند. هرچند قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر دو بر آزادی مطبوعات تأکید داشته‌اند. در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره آزادی مطبوعات آمده است:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین میکند.»

ب: استثناء های آزادی مطبوعات

همچنان که پیش تر نیز اشاره شد آزادی مطبوعات اصل می باشد و محدودیتهای وارده بر این اصل، استثناء می باشند که باید زیاد نبوده و با روح آزادی مطبوعات و رسالت آن نیز مغایرت نداشته باشد، اما همچنانکه آزادی بدون قانون و حریم در هر موردی خطرناک و ناپسند است مطبوعات نیز در آزادی خود با استثنائاتی مواجه هستند که در اینجا به بررسی مختصر آنها می پردازیم:

۱- استثناء های مربوط به شرایط غیر عادی شامل:

اول- زمان جنگ دوم- حکومت نظامی سوم- حالت فوق العاده

اول- زمان جنگ، در اغلب کشورها، در زمان جنگ تحقق اصل انتشار آزادانه مطبوعات، متوقف می شود و دولت‌ها می توانند بر مبنای قوانین مصوب پارلمانی و یا تصویب نامه های هیأت وزیران، به سانسور مطالب روزنامه ها و مجله ها و یا توقیف و تعطیل انتشار آنها و نیز منوط کردن تأسیس و اداره نشریات جدید به دریافت اجازه نامه، اقدام کنند.^۱

اعمال این امر در تمام کشورها در زمان جنگ مشاهده شده است مانند کشورهای درگیر در جنگ جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام، خلیج فارس و عراق از سوی آمریکا و جنگ ایران و عراق از سوی هر دو کشور و

^۱ - معتمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، ج ۱، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹ ص ۱۶۵.

دوم- در مواقع اعلان حکومت نظامی که در شرایط غیر عادی بحرانهای سیاسی کشورها صورت می گیرد نیز مانند زمان وقوع جنگ، دولت ها بر اساس قوانین و تصویب نامه های خاص، می توانند به اعمال محدودیتهای مختلف در مورد مطبوعات دست بزنند.^۱

سوم- حالت فوق العاده، این حالت هم مانند حکومت نظامی و جنگ می تواند سبب اجرای استثناء و توقف اصل آزادی مطبوعات را فراهم آورد. منظور از حالت فوق العاده حالت خطر قریب الوقوعی است که می تواند صدمات شدیدی به جامعه و نظم عمومی وارد آورد و بیشتر منشاء طبیعی دارد مانند سیل، زلزله، بیماریهای خاص و ...

۲- استثناء های مربوط به برخی نشریات خاص:

علاوه بر استثناء های ذکر شده، استثناء های دیگری نیز با توجه به محتوا و ماهیت ویژه بعضی از روزنامه ها و نشریه ها و در کل مطبوعات به لحاظ مخاطبان خاص و یا منافع عمومی جامعه وجود دارد.

اول- مطبوعات ویژه کودکان و نوجوانان: این گونه نشریات نباید هیچگونه مطلبی غیر اخلاقی، خشونت آمیز و ... داشته باشند و از این منظر شدیداً از سوی دولتها کنترل می شوند و از آزادی کامل برخوردار نیستند.

دوم- نشریات خارجی: برای اینگونه نشریات نیز تحت عنوان امنیت ملی و جاسوسی وامثال آن در اکثر کشورها مقررات محدود کننده ای پیش بینی گردیده است.

سوم- نشریات حاوی آگهی های قضائی و قانونی: به این معنی که در اکثر کشورهای جهان فقط نشریاتی میتوانند به انتشار آگهی های قضائی و قانونی اقدام نمایند که قبلاً اجازه خاص آن را از مقامات صلاحیت دار اخذ کرده باشند و همه نشریات از این حقوق برخوردار نمی باشند.

و در آخر باید خاطر نشان کرد که علاوه بر استثناء های آزادی مطبوعات محدودیت های قانونی متعددی نیز در قوانین اساسی و عادی کشورها مخصوصاً قوانین مطبوعاتی وجود دارد که این امر نیز در کشورهای مختلف با توجه به نظام های متفاوت کشورها، متفاوت می باشد.

ج: محدودیتهای مطبوعات در ایران

براساس فصل ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص میشوند آزادند:

۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

^۱ - همان، ص ۱۶۸.

- ۲- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.
- ۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.
- ۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، بویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.
- ۵- تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.
- ۶- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی.
- ۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.
- ۸- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.
- ۹- سرقتهای ادبی^۱ و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آئین نامه مشخص میکند).
- ۱۰- استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.
- ۱۱- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.
- ۱۲- انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

ج: آسیب شناسی نادیده انگاشتن آزادی مطبوعات

همان گونه که آزادی و غنای مطبوعات امری تضمین شده نیست، کارکرد آزاد مطبوعات نیز آسیب هایی را به دنبال می آورد. اگر به این آسیب ها توجه نشود، به اصل وجود مطبوعات و نقش مثبت آنها لطمه می خورد و حکومت ها که دستی گشاده در سرکوب مطبوعات دارند، آنها را به تعطیلی خواهند کشاند. نخستین آسیب این است که از مطبوعات توقعی بیش از حد داشته باشیم. دومین آسیب آن است که مطبوعات به فرهنگ و بافت موجود جامعه بی توجه باشد، مطبوعات زمانی می تواند تأثیر مثبت بر جای

^۱ - سرقت ادبی عبارتست از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه.

گذارد که آهسته حرکت کند، به این معنی که در تعارض آشکار و جدی با فرهنگ غالب جامعه قرار نگیرد. اگر هم نقدی موجه بر ساختارها، نگرشها، باورها و هنجارهای غالب وجود دارد باید به تدریج بیان شود آنهم با بهترین روش و زبان ممکن، آهنگ تند حرکت برای بقای سودمند مطبوعات زیان بار است. سومین آسیب بی اخلاقی است. مطبوعات نباید وسیله ارتکاب رذایلی چون افترا، توهین، تحریک عواطف، خشونت زایی، نقض حریم خصوصی و ... قرار گیرد.

چهارمین آسیب آن است که مطبوعات به منافع عمومی کمتر توجه کند. نظم عمومی، امنیت، حداقل بهداشت عمومی، حداقل رفاه و آموزش، منافع عمومی را تشکیل می دهد. یکی از کارهای بسیار دشوار آن است که مطبوعات بتواند به فراخور زمان و موقعیت، توازنی قابل دفاع میان حقوق فرد و منافع جمع برقرار کند.^۱ مورد دیگری که ممکن است مطبوعات و خصوصاً روزنامه ها را در معرض آسیب پذیری جدی قرار دهد آن است که خبرنگار لزوم جدایی بین ذهنیت فردی خود و عینیت واقعه یا مسئله مورد گزارش را مورد توجه قرار نداده و احساسات و تمایلات شخصی، رعایت بی طرفی کامل در کسب و انتشار اخبار را که از اصول اساسی روزنامه نگاری است تحت تأثیر قرار دهد که در این زمینه آقای والتر لپین روزنامه نگار و متفکر مشهور امریکایی در کتاب معروف خود به نام «افکار عمومی» که در سال ۱۹۲۲ منتشر نمودند، با عنوان «روزنامه نگاری عینی» در مقابل «روزنامه نگاری ذهنی» یاد می کند و به حمایت از روزنامه نگاری واقعیت جو و عینی گرا در مقابله با روزنامه گاری جنجالی و ذهنی گرا می پردازد.

گفتار سوم: تعریف و ماهیت مطبوعات

بند اول: مختصری در مورد پیشینه مطبوعات

ارتباط، اصل هستی بخش جامعه انسانی و سامان دهنده سیر تکوین و تطور و انتظام ساختاری و کارکردی آن است. بدون ارتباط، نهادهای اجتماعی و تمایزپذیری آنها شکل نمی گیرد. بدون ارتباط، نه تنها تعامل انسانی بلکه حیات اجتماعی ممکن نیست. نظام اجتماعی از اندامها و اذهان انسانی تشکیل نشده است بلکه تنها شبکه ای از ارتباطات است که پیوسته و بی وقفه بازآفرینی می شوند و به یکدیگر می پیوندند.

اختراع خط که تحوّل عظیمی در وضع جوامع انسانی به وجود آورد، نوع جدیدی از ارتباط را که ارتباط غیرمستقیم نامیده می شود، رقم زد و به عنوان واسطه ای میان منشأ و مخاطب پیام شناخته شد. اختراع کاغذ نقش این واسطه را در زندگانی انسانها ارتقاء بخشید و پیامهای مکتوب روابط اجتماعی را وارد مرحله

^۱ - راسخ، محمد، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۹ ص ۶۴.

حقیقت‌بینی و پیچیدگی کرد. از این زمان بود که به تدریج انتشار روزنامه‌های خطی برای انعکاس مسایل روز و مطلع کردن مردم از آن‌ها شکل گرفت و تقریباً دو‌ست سال قبل از اختراع چاپ، اولین روزنامه‌ها به وجود آمدند. این روزنامه‌ها تقریباً انواع نوشته‌های روزنامه‌های امروزی مانند خبرها، مقاله‌ها، گزارش‌های خارجی، داستان‌ها و مطالب جالب دیگر را ابداع کردند. در همان ایام، نوشته‌هایی که در مدح یا به قصد انتقاد از افراد تهیه می‌شدند و نوشته‌های خبری، به صورت روزنامه‌های دیواری به مردم ارائه می‌گردیدند. اولین روزنامه از این نوع که امروز در اختیار انسان باقی مانده، روزنامه‌ای به نام "آکتادیورنا" بوده که بر روی دیوارهای شهر قدیم "رم" چسبانده می‌شده است.^۱

از اواسط قرن پانزدهم میلادی با پیدایش و پیشرفت صنعت چاپ، به تدریج نشریه‌ها و کتاب‌های چاپی گوناگونی به طور منظم در اروپا انتشار یافت.^۲ از پایان این قرن، چاپ‌کنندگان، نشریاتی را به شکل دفترچه‌های کوچک چهار، هشت یا شانزده صفحه‌ای انتشار دادند؛ که گاهی به وسیله کلیشه‌های چوبی به تصاویری زینت یافته بود. بعدها، نوع جدیدی از روزنامه‌های تک‌ورقی که "کانارها" نامیده می‌شدند، انتشار یافتند؛ تا اینکه اولین نشریات ادواری با نام "آلماناکس" در شهر ماینتس آلمان در سال ۱۴۴۸ متولد شد. در آلمان همچنین اولین گاه‌شمارهای منظم به نام "مرلاتسیونن" در سال ۱۵۸۸ انتشار یافت؛ که حوادث مهم سالانه یا شش ماهه را تجدید چاپ می‌کرد. مسیر تحول مطبوعات به انتشار "گازت‌ها" (Gazette) رسید و "ساموئل دیلبام" در شهر "اکسبورگ" نشریه‌ای ماهانه به شکل گاه‌نامه منتشر کرد و این پایه انتشار گازت‌ها شد. در ادامه انتشار گازت‌ها، اولین خبرنامه در سال ۱۶۲۲ در لندن عرضه شد و همین‌طور اخبار هفتگی ایتالیا، آلمان، هنگری و لوگزامبورگ انتشار یافت.^۳

از اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم که صنعت چاپ توسعه واقعی یافت، مطبوعات نیز رفته رفته خصوصیات امروزی به خود گرفته و انتشار کتاب‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار دادند. از این زمان، نویسندگان و کسانی که به امر چاپ می‌پرداختند، به دو طبقه ممتاز مطبوعاتی تبدیل شدند. در ۱۶۶۵ اولین روزنامه

^۱ - معتمدنژاد، کاظم؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۸۵ ص ۵۹ و ۶۰ و

مک کوایل، دنیس؛ درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ص ۳۰.

^۲ - معتمدنژاد، رؤیا و معتمدنژاد، کاظم؛ حقوق ارتباطات، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۶، ص ۶۶.

^۳ - قندی، حسین؛ روزنامه‌نگاری تخصصی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۴ ص ۱۶ و ۱۷.

بزرگ به نام "لندن گازت" در آکسفورد منتشر شد و پس از آن در قرن هیجدهم اولین روزنامه حقیقی جهان به نام "دیلی کوارنت" به وجود آمد؛ که انتشارش تا ۱۷۳۵ ادامه یافت.^۱

ایالات متحده آمریکا نیز در سال ۱۶۹۰ در شهر بوستون شاهد انتشار اولین روزنامه به نام "پوبلیک اکوارنس" بود و پس از آن اولین روزنامه به معنی واقعی کلمه در آمریکا در سال ۱۸۲۸ به نام "پنسلوانیا گازت" در فیلادلفیا پا به عرصه گذاشت.^۲

مطبوعات سرانجام در نیمه دوم قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ ویژگی‌های یک صنعت بزرگ را به خود گرفتند و مصرف مرتب آن حداقل در کشورهای غربی در میان توده‌ی مردم فراگیر شد و به صورت نوعی عادت و رفتار اجتماعی درآمد. در همین دوران بود که در پی رشد کمی و کیفی نشریات، مجله‌هایی با کیفیت بالا به صورت ماهانه و دو هفته‌نامه‌ی قابل اعتنا شکل گرفت.^۳

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم جهان شاهد نشریات تخصصی با توجه به نوع مخاطبان و موضوع تخصصی بود که در این دوران نشریات تخصصی در کنار مطبوعات ادواری تولد یافتند.

در ایران نیز اولین روزنامه‌ای که به زبان فارسی منتشر شد، روزنامه‌ای است که در حدود سال ۱۲۵۳ ه.ق به مدیریت میرزا صالح شیرازی طلّیعی آن انتشار یافت. البته پیدایش روزنامه به معنی اعم، از زمان‌های بسیار دور در ایران رایج بوده است. فاصله انتشار نشریات ادواری و یومیّه در ایران با نشریات تخصصی چندان زیاد نیست و در سال ۱۲۸۷ ه.ق اولین شماره از نشریه حقوقی، قضایی و خبری با عنوان "وقایع عدلیه" به همّت میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) منتشر شد.^۴

بند دوم: کارکرد مطبوعات

مطبوعات چاپی یکی از رایج‌ترین و شاخص‌ترین محصولات جامعه صنعتی بوده که بنا به گفته‌ی بورک (Edmund Burke ۱۷۲۹-۱۷۹۷): سیاست‌مدار و فیلسوف انگلیسی، رکن چهارم دموکراسی محسوب می‌شود. این وسیله ارتباط جمعی، که در واقع با بهره‌گیری از سه صنعت خط، کاغذ و چاپ، کار خود را آغاز کرد، در عین اینکه یک تولید و محصول صنعتی به‌شمار می‌رود، آفریده‌ای فکری بوده که

^۱ - معتمدنژاد، کاظم؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۸۵ ص ۶۴ قندی،

حسین؛ روزنامه‌نگاری تخصصی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۴ ص ۱۷

^۲ - قندی، حسین؛ روزنامه‌نگاری تخصصی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۴ ص ۱۸.

^۳ - آلبر، پیر؛ مطبوعات، فضل‌الله جلوه، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ص ۱.

^۴ - قندی، حسین؛ روزنامه‌نگاری تخصصی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۴ ص ۱۹ و ۲۴.

جواب‌گوی نیازهای معنوی گروه خوانندگان است و مصرف‌کنندگان به‌عنوان نوعی سرویس یا خدمت از آن بهره می‌برند؛ هرچند برای ناشران خود، صورت کالا دارد.

این وسیله ارتباطی که مطالب گوناگونی مانند اخبار، سرگرمی، مقاله، گزارش، داستان و ... را در قالب انواع روزنامه و مجله در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، دارای خدمات مختلفی است که تجزیه این خدمات کار دشواری است؛ چرا که این خدمات غالباً مکمل یکدیگر و تفکیک‌ناپذیرند.^۱ مهم‌ترین کارکردهای مطبوعات را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- خبررسانی؛ اولین خدمت مطبوعات، فراهم آوردن، توضیح دادن، تفسیر کردن و در اختیار گذاشتن اخبار است. باید دانست که مطبوعات، وقایع و مسایل جاری را به‌همان ترتیب کتاب یا رادیو و تلویزیون منتشر نمی‌کنند؛ زیرا کتاب‌ها وقایع و مسایلی را که اهمیت خاص پیدا کرده‌اند و در فرصت کافی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، انتشار می‌دهند. در حالی که وقایع و مسائل مورد نظر رادیو و تلویزیون یا در همان لحظات وقوع یا در فاصله کمی پس از آن انتشار می‌یابند و چون گردانندگان این دو وسیله ارتباطی کوشش می‌کنند که جریان آن‌ها را به‌سرعت پخش نمایند، امکان ارزیابی و تجزیه و تحلیل دقیق پیدا نمی‌کنند. اما در مطبوعات نه خبرها توأم با تأخیری مانند کتاب روبه‌رو هستند و نه با شتابزدگی رادیو و تلویزیون؛ بلکه طرز انتشار خبرهای مطبوعات حدّ متعادل انتشار مطالب کتاب‌ها و برنامه‌های رادیو و تلویزیونی است. البته باید در نظر داشت که با توجه خاص روزنامه‌ها به تجزیه و تحلیل اخبار، ماهیت مطبوعات به طرز نامرئی به کتاب نزدیکتر می‌شود.^۲

۲- توسعه اطلاعات و معلومات خوانندگان؛ در مورد این خدمت نقش عمده را مجلات تخصصی بر عهده دارند؛ ولی روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند و باید این خدمت را نیز انجام دهند.

۳- یاری رساندن به خوانندگان در جهت بهتر تنظیم کردن اوقات و برنامه‌هایشان؛ در جامعه امروزی که شرایط زندگی روابط فرد و جامعه را روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، این خدمت اساسی و مهم است. چاپ برنامه‌های سینماها، تئاترها و نمایشگاه‌ها و خبرهای هواشناسی و از همه مؤثرتر ستون‌های نیازمندی‌ها و آگهی‌های کوچک طبقه‌بندی‌شده در زمره این خدمات است.

۴- تفریح و سرگرمی؛ مطالعه مطبوعات، خود، نوعی تفریح و سرگرمی برای خوانندگان و مخاطبین است.

^۱ - آلبر، پیر؛ مطبوعات، فضل‌الله جلوه، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱، ۸ و ۳۴.

^۲ - معتمدنژاد، کاظم؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۸۵ ص ۱۸۴

۵- خروج از انزوا و ایجاد احساس اشتراک؛ مطالعه مطبوعات به این امر که شخص، خود را پاره‌ای از کل جامعه بداند نیز کمک کرده و باید مطالعه آن‌را در واقع نوعی مکالمه با جهان دانست؛ که انزوای شخصی را شکسته و احساس اشتراک با جامعه را در او زنده می‌کند.

۶- روان‌درمانی؛ برخی معتقدند که درج خبرهای جنایی و ماجراهای عشقی و رسوایی‌ها و جنجال‌های خانوادگی، سیاسی و ... در مطبوعات می‌تواند بسیاری از خوانندگان را از عقده‌ها و رؤیاهای خوش، رهایی بخشد و یا زمینه‌ای را برای صحبت فراهم آورد.^۱

۷- نظارت؛ نقش مطبوعات به‌عنوان رقیبی برای دولت و ناظر اعمال آن در روزنامه‌نگاری سنتی، نقشی افتخارآمیز است. در این نقش، مطبوعات غالباً به‌عنوان رکن چهارم قوای اساسی کشور نامیده می‌شوند. ادموند بروک (Edmund Burke: 1729-1797) جایگاه روزنامه‌نگاران در مجلس انگلستان را به‌عنوان جایگاه قوه چهارم که بسی مهم‌تر از سه قوه دیگر است، ارزیابی و نام‌گذاری کرده است؛ که در این میان سه قوه دیگر عبارت بودند از: اشراف، روحانیون و عوام.

وظیفه نظارتی مطبوعات در پس حفاظت از منافع عمومی با توسل به ایفای نقش نگهبان، توسط مطبوعات است.^۲

بند سوم: رسالت مطبوعات

از مهم‌ترین وظایف رسانه‌های جمعی، به خصوص مطبوعات، گسترش دانش و اطلاعات مخاطبان در زمینه‌هایی است که امکان دسترسی و تجربه مستقیم از رویدادها و موضوع‌های مختلف برای آنان فراهم نباشد. وظیفه جمع‌آوری، تدوین و انتقال اطلاعات و تأمین نیازهای مخاطبان و مردم در زمینه‌های مختلف به عهده همه رسانه‌های جمعی و به ویژه روزنامه‌ها و مطبوعات است.

کار و رسالت مطبوعات گسترده‌ای وسیع دارد. پرداختن به موضوعات و مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و خلاصه هر آن‌چه را که ممکن است به عنوان یک سوژه قلمی برای روزنامه‌نگار نام برد. می‌توان گستره کار روزنامه‌نگار نامید.

ارتباط تنگاتنگی که بین مردم، مطبوعات و مسئولان وجود دارد. مسئولیت مطبوعات را سنگین و دشوار می‌سازد. مطبوعات به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال مسایل و مشکلات مردم به مسئولان و پاسخگویی آنان به مردم است. در واقع، مطبوعات به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم و مسئولان انجام وظیفه می‌کنند. رسالت عرفی

^۱ - آلبر، پیر؛ مطبوعات، فضل‌الله جلوه، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ص ۳۵ و ۳۶.

^۲ - دفلور، ملوین و دنیس، اورت‌ای؛ شناخت ارتباطات جمعی، سیروس مرادی، تهران، انتشارات دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۳ ص ۳۷۶ - ۳۹۵.

و اخلاقی مطبوعات ایجاب می کند تا حقایق را آن گونه که هست مطرح کنند. و هیچ گاه با کتمان حقیقت، صورت مسأله را تغییر ندهند. مطبوعات باید زبان گویایی مردم و زنگ بیداری مسؤلان باشند. بر این اساس، این حرفه دارای ویژگی هایی خاص است و همین امر آن را از سایر شغل ها جدا می کند. اگر روزنامه نگاری را فراتر از یک حرفه عادی بپذیریم، باید اخلاق حرفه ای آن را نیز بهتر و کامل تر از اخلاق سایر حرفه ها بدانیم؛ از این رو شایسته است یک روزنامه نگار دارای بهترین خصوصیات اخلاقی باشد تا تأثیر کلام و قلم او که دایره بسیار وسیعی را پوشش می دهد در زیر ردای آزادی بیان و اندیشه به سمت اهداف اصلی هدایت شود.

مطبوعات چارچوبی است که در آن افکار و عقاید گوناگون جامعه با هم تلاقی می کنند و از این برخوردها، اندیشه های تازه ای شکل می گیرد، راه حل های جدیدی برای حل مسایل پدید می آید و انگیزه های تازه ای برای حرکت و آفرینندگی و مشارکت بر می انگیزد و بر عکس، سستی و بی رمقی مطبوعات، جامعه را بی حرکت کرده و به فقر فکری و معنوی و زوال می کشاند.

مطبوعات از پایه ها و ارکان مهم گسترش فرهنگ و از مهم ترین رسانه های جمعی در جامعه به شمار می روند. در دنیای امروز که ارتباطات جهانی بسیار گسترده و فراگیر شده است و ملت ها از طریق رسانه های پیشرفته و تکنولوژی نوین ارتباطات تا حد زیادی مرزهای جغرافیایی و سیاسی را از میان برداشته اند. مطبوعات همچنان به عنوان یکی از عوامل نشر اخبار و اطلاعات و آگاهی های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مطرح هستند. این امر، لزوم برنامه ریزی وسیع و گسترده صاحبان اندیشه و فرهنگ را برای ساختن مطبوعاتی هدفمند و بالنده گوشزد می کند.

بر اساس ماده ۲ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی برعهده دارند، عبارتست از:

- الف - روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱.
- ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.
- ج - تلاش برای نفی مرزبندیهای کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و...
- د - مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تذبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشاء و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی.
- ه - حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی.